

نگاه خطی و تک بعدی به پدیده‌ها، اشیاء، قوانین و سازمانهای چند بُعدی و چند ساحتی، یکی از کاستیهای مطالعات بشری در اعصار پیشین بوده است.

در قلمرو دانش تجربی و بخشهایی از علوم انسانی، نارسایی و کژنمایی مطالعات یک جانبه‌نگر، سالهاست به اثبات رسیده و پیشرفت روش‌های پژوهشی و متدلوژی تحقیق و تحلیل از یکسو و تکامل ابزار و امکانات و تجهیزات سنجش و محاسبه و تجزیه و تحلیل از سوی دیگر، این امکان را برای محققان فراهم آورده است تا موضوعات مورد پژوهش خود را از زوایای متعدد و در ارتباط با شرایط و مناسبات گوناگون بررسی کرده و مورد داوری و نقد و تحلیل قرار دهند.

انسان ساده‌نگر دیروز که با کشف یک رابطه و درک یک منظر، دم از خدایگانی و سلطه بر نظام ماده می‌زد، امروز در نتیجه تجربه و تأمل و ایمان به پیوستگی نظام ماده و تأثیر و تأثر اجسام و اجرام و وسائط و مناسبات یک موجود با صدها و هزاران موجود دیگر، به نوعی تواضع علمی دست یافته است، ادعاهای گذشته را فرو رفته و از کرسی خدایگانی به زیر آمده است و چون شاگردی جویا و صبور با کشف و درک هر نکته، برای فهم نکته‌های بیشتر اظهار شیفتگی می‌کند. و در اعلام نظر نهایی، احتیاط بیشتری به کار می‌گیرد و اساساً آموخته است که از این پس نگوید «این است و جز این نیست» بلکه در اوج فهم و یقین بگوید تاکنون چنین فهمیده‌ام و ممکن است در آینده با افزایش اطلاعات، جنبه‌های نوینی نیز برای من آشکار شود!

در عبور از آن دگماتیسم و زاویه‌نگری و خودخواهی به این فضای فراخ و پر دامنه و گسترده ساحت، نظریه نگرش سیستمی توکد یافته است.

این مولود خوش قدم، هر چند بیشترین رهاوردش را در آغاز تقدیم مطالعات نظری کرده است، اما درستی و صداقت آن، چنان بوده است که در فاصله‌ای نه چندان طولانی، در حیطه عمل و در ساحت عینیت و در فضاهای آزمایشگاهی نیز تأثیر خود را بر جای نهاده و نتایج مهمی را به بار نشانده است. امروز برای مطالعه درباره یک پدیده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و رفتاری و... تخصصهای مختلف و شرایط گوناگون به همکاری و همفکری دعوت می‌شوند و هر کدام در اوج دقت و استفاده از تجربه‌ها و نظریه‌ها و امکانات تخصصی، در ارائه دیدگاه و برداشت خود، متواضعانه و مشتاقانه به سایر برداشتها و دیدگاهها گوش فرامی‌دهد و می‌اندیشد، تا مگر در پرتو نگاههای مختلف به نتیجه‌ای جامع‌تر و واقعی‌تری دست یابد.

نگرش سیستمی گامی به پیش، در محافل علمی پرسابقه بوده است و همپای استفاده از این نظریه در زمینه دانشهای بشری، کسانی سعی کرده‌اند تا نظیر آن را در زمینه معارف دینی - مسیحی به کار گیرند و در تحلیل مطالب کتاب مقدس و اندیشه‌های کلامی مسیحیت، با وسعت نظر بیشتری بنگرند و به جای

انکار یکسره برخی معارف و آموزه‌های آن با نگاهی جدی و قرائتی نوین به مطالعه آن بپردازند. تا مگر وجهی مقبول و علم‌پسند و تجربه‌پذیر از آن آموزه را شناسایی کنند و معرفی نمایند.

بررسی این که تلاش کنندگان در این میدان، تا چه اندازه موفق بوده و به مطالب درستی دست یافته‌اند یا خیر، مورد نظر این نوشته نیست، مهم این است که راه را آغاز کرده‌اند و اگر ادامه یابد ممکن است به نتایج عینی‌تر و به واقع نزدیک‌تری هم دست یابند. هر چند در باور اسلامی، انجیل موجود دست‌خوش تحریف‌هایی شده است و همان تحریف‌ها اساس و بنیان تحقیق را به انحراف کشانده است و ارتقای روش تحقیق و تکامل سطح مطالعات نمی‌تواند کاستی‌های پدید آمده از تحریف را جبران نماید!

و اما محافل علمی جهان اسلام که در چند قرن اخیر در زمینه نظریه‌پردازی علمی و استفاده از پژوهش‌های علوم تجربی و انسانی و علوم پایه گرفتار تأخر و تبعیت شده، هنوز فرصت آن را نیافته است تا مطالعات سیستمی و چندبُعدی را در زمینه معارف قرآن و دیدگاه‌های دینی در زمینه‌های مختلف مسایل فردی و اجتماعی و عبادی و حقوقی، از جمله مسأله خانواده و قوانین و حدود و حقوق آن به کار گیرد. و همین امر سبب شده است تا در تطبیق نظریه‌های بشری با آموزه‌های دینی، فاصله‌ای آشکار گردد که برخی دانشیان گرفتار این پندار شوند که یا باید متدین ماند و دانش بشری را بیهوده و سخیف شمرد و یا باید دل به دانش بشری سپرد و دیده بر دین و معارف وحیانی بست و آن را امری تاریخی، غیر علمی و متأثر از فرهنگ زمانه، بلکه زائیده شرایط و احوال تاریخی ملت‌ها دانست و اصالت آن را انکار کرد!

این برداشت‌ها و این داوری‌ها درباره احکام، قوانین و نظام‌هایی که قرآن در زمینه خانواده، جامعه و اجزای درونی آن ارائه کرده است - حداقل - می‌تواند نشأت یافته از نگاه خطی به هر یک از این مقولات باشد. در حالی که اگر وظایف و تعهدات هر یک از زن و مرد، فرزندان، پدر و مادر و خویشاوندان را در ارتباط با سایر دیدگاه‌های دین در زمینه عفاف، حجاب، تأمین نیازهای جنسی و مادی، ساختار نظام اجتماعی و روابط حاکم بر جامعه انسانی مطالعه کنیم، خواهیم یافت، آنچه در این تقسیمات و تعهدات ملاحظه شده است، نه تنها بی‌جا نبوده که منطقی عقلی و علمی نیز داشته و دارد.

در این مقدمه، هدف گشودن یک منظر است و نه ارائه یک پژوهش به سامان رسیده، از این رو برای بیان شفاف‌تر موضوع مورد نظر به بیان یک مثال که در مقوله روابط زن و مرد قرار می‌گیرد و نقش مهمی در تحکیم یا تضعیف آن دارد اکتفا می‌کنیم.

یکی از مقولاتی که از دیرباز مورد انتقاد برخی روشنفکران غیردینی قرار گرفته و دستمایه برخی هجوها علیه دین از سوی دین‌ستیزان و اسلام ناباوران بوده است. تا جایی که گروهی از دین‌باوران سعی کرده‌اند تا با کم‌رنگ کردن آن، خود را از معرض انتقادات دور بدارند - موضوع ازدواج موقت یا متعه است.

اگر نگاهی خطی و تک‌بُعدی به مسأله ازدواج موقت داشته باشیم می‌توانیم نتیجه بگیریم که این‌گونه ازدواج می‌تواند نهاد خانواده را از جنبه‌های مختلف تهدید کند. زیرا:

- 1 - زن در ازدواج موقت از کمترین حمایت قانونی و اجتماعی برخوردار است.
- 2 - با ترویج ازدواج موقت، زنانی که در محیط خانواده قرار دارند، از نظر عاطفی آسیب دیده و اهتمام آنان به حفظ خانواده و روابط همسری سست می‌شود.

3 - تأمین نیاز جنسی مرد از طریق ازدواج موقت، به سردی روابط همسران در محیط خانواده منتهی می‌شود و همین امر منشأ اختلافها و جدایی‌ها می‌گردد.

4 - تجویز ازدواج موقت، مانع گرایش مردان و زنان به تشکیل خانواده و همسری دائم می‌شود و در نتیجه خانواده‌ها کمتر شکل می‌گیرد و فرزندان صالح و دارای اطمینان و آرامش کمتری تربیت می‌شوند.

5 - زنانی که از طریق ازدواج موقت، مورد بهره‌برداری جنسی قرار گرفته و سپس رها شده‌اند، به منزله افرادی سرخورده و فاقد پشتوانه و امید در جامعه می‌زیند.

6 - ازدواج موقت، نوعی روابط آزاد را دامن می‌زند، روح لذت‌جویی را میان زنان و مردان تقویت می‌کند. و در واقع به نوعی روسپیگری منتهی می‌شود. اما با توجیه شرعی و قانونی!

شاید این حداکثر انتقادهایی باشد که از سوی عناصر غیردینی و جریانهای فرهنگی لائیک و یا برخی فمینیستها، به مسأله ازدواج موقت شده باشد و یا بشود.

این که آیا برآستی این مشکلات و ناهنجاری‌ها در مورد ازدواج موقت واقعیت دارد یا امری ذهنی و تخیلی است و در صورت واقعیت داشتن سهم هر یک از این مشکلات تا چه درجه از اهمیت خواهد بود، موضعی است که باید در پژوهشی گسترده - چه بسا مطالعه‌ای میدانی و آماری - مورد بررسی قرار گیرد و لی آنچه در این نگاه گذرا می‌خواهیم به آن اشاره کنیم این است که اگر فرض را بر این بگذاریم که این اشکالها و انتقادهای به هر حال سهمی از واقعیت دارد، اما همه واقعیت نیست، یعنی قطعاً در برابر این تنگناها و پیامدها که برشمرده شد، برای این سگه روی دیگری هم هست که آنها نیز واقعیت دارند و کسانی که می‌خواهند داوری کنند باید به هر دو روی این سگه توجه نمایند و پس از یک مقایسه و محاسبه و جرح و تعدیل، یا بهترین را برگزینند و یا آن گزینه‌ای را انتخاب کنند که دشواری‌های کمتری را در پی دارد.

یکی از ساده‌ترین، عامیانه‌ترین و رایج‌ترین روشها در ارزشگذاری‌ها و محاسبات، تقسیم سریع و بی‌تأمل پدیده‌ها و قوانین و مسایل به سیاه و سفید است، در حالی که در فاصله میان سیاه و سفید صدها طیف دیگر وجود دارد که بسیاری از مسایل در این طیفها قرار دارند و کم‌اند اموری که سیاه مطلق و یا سفید مطلق باشند.

کسانی که با برشمردن چند اشکال یا شبه اشکال برای قوانین و حقوق و... یکسره به بطلان آن نظر می‌دهند، بیش از این که در شمار روشنفکران و دانشمندان قرار داشته باشند، در صف ساده‌اندیشان و عامیان قرار دارند، چرا که زحمت چند جانبه‌نگری و دقت و محاسبه را به خود نداده‌اند.

باز هم به عنوان نمونه و ارائه مثال در زمینه ازدواج موقت «به عنوان یک حکم یا قانونی دینی» اگر بخواهیم روی دیگر این سگه را بنگریم می‌توانیم به این موارد اشاره کنیم:

1 - بسیاری از موارد، مردان و زنان به دلیل مسایل خاص مقطعی یا درازمدت و یا شرایط جسمی و اقتصادی و اجتماعی و... قادر به تشکیل خانواده از طریق ازدواج دائم نیستند و این افراد یا باید به این نیاز طبیعی - غریزی و عاطفی - خود پاسخ ندهند و یا باید خلاف قوانینی دینی و بعضاً عرفی شوند و یا باید شریعت برای آن شرایط خاص نیز تدبیری اندیشیده باشد!

از این سه گزینه معقول‌ترین گزینه، گزینه سوم است، چه این که تعطیل یکسره نیازهای واقعی انسان، برای طبیعت انسانی قابل پذیرش نیست، چنان که سوق دادن جامعه به سمت قانون‌شکنی نیز برای عقل انسانی مقبول نمی‌باشد. پس بهترین راه این است که تدبیرگر یا تدبیرگران یک نظام اجتماعی یا دینی، شرایط خاص و مهم را نیز از نظر دور ندارند و برای برون رفت از تنگناها، راههایی را تدارک ببینند و با جعل قوانین خشک و یکسونگر، مخاطبان و معتقدان خود را از حالت تعادل روانی به رنج و ریاضت نامعقول و اندارند و یا گرفتار قانون‌شکنی نمایند.

2 - نیازهای طبیعی انسان، ناگزیر باید تأمین شود و کارکرد زندگی اجتماعی و رشد فرهنگی و فرهیختگی یک جامعه این است که ارضای این نیازها را به گونه‌ای قانونمند کند که هم برای انسان‌ها قابل تحمل باشد و هم به هرج و مرج نینجامد و دین از طریق احکام و قوانین خودخواسته است، چنین کند. گواه این سخن این است که در هر محیط و جامعه‌ای که به شکل افراطی و تفریطی خواسته‌اند موضوع نیازهای طبیعی انسان را پاسخ دهند، یا جامعه آن را برنناخته و یا به آفات مختلفی مبتلا شده است. از آن جمله، ادیانی که تجرد را یک امتیاز دانسته و پرهیز از هرگونه بهره‌گیری از گزینه جنسی را با مراتب رشد معنوی در تنافی دیده‌اند، یا رهبران‌شان به ارتباطات پنهانی متهم می‌شوند و یا جامعه از پیروی کردن از آموزه‌های آن دین کناره می‌گیرد و با قرائت جدیدی از شریعت و دین، آن ممنوعیت افراطی، توسط معتقدان به آن دین لغو می‌شود.

از سوی دیگر جوامعی که راه آزادی جنسی را پیموده و هیچ‌گونه کنترلی را بر نیازهای جنسی لازم ندیده‌اند، علاوه بر این که به رشد و پویایی نهاد خانواده دست نیافته‌اند، که زن بیش از گذشته، مورد بی‌توجهی قرار گرفته تا آن جا که لذت‌جویان، اشباع شده از روابط با جنس مخالف به ابداع شیوه‌های جدید و بیمارگونه برای لذت جنسی روآورده‌اند که از آن جمله، همجنس‌گرایی و بهره‌گیری جنسی از کودکان و یا لذت جنسی از طریق آزار و شکنجه طرف مقابل می‌باشد.

3 - در جوامعی که فقط یک گونه ازدواج را قوانین اجتماعی پذیرفته است، زنان از امنیت بیشتر عاطفی و اقتصادی و اجتماعی برخوردار نشده‌اند و نهاد خانواده استحکام بیشتری نیافته است.

4 - در جوامع غیراسلامی و حتی غیردینی، نیاز طبیعی انسانها به هر حال تأثیر خود را گذاشته است و خلأ قانونی و اعتقادی سبب شده است تا بیشتر مردان با زنان متعددی در ارتباط باشند و بسیاری از زنان نیز این روابط متعدد را در سطوح مختلف تجربه کنند. در حالی که بسیاری از این روابط منطقی جز لذت‌جویی و تنوع‌طلبی نداشته و از نظر مصلحان اجتماعی و تربیتی و اخلاقی همان جامعه ناصحیح و نامطلوب شناخته شده است.

5 - در میان جوامع اسلامی، جامعه اهل سنت نیز ازدواج موقت را حکمی تعطیل شده می‌دانند که در مقطعی از حیات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تجویز شده بود و سپس منع شده است. بی‌آن که بخواهیم منشأ این منع را بررسی کنیم و دلایل مشروعیت آن را به بحث بنشینیم، به نتیجه عملی آن می‌پردازیم که هم اکنون در برخی کشورهای اسلامی به خاطر پر کردن این خلأ و این نیاز، به تصویب قوانین و احکامی رو آورده‌اند که نامش ازدواج موقت نیست ولی محتوای آن را دارد.

و در برخی دیگر از جوامع اسلامی، مردان با ازدواجهای مکرر و طلاق زنان قدیم و گزینش زنان جوانتر، عملاً زندگی زنان پیشین خود را، بیشتر از هر جامعه دیگر تهدید کرده و به خطر انداخته‌اند و نهاد خانواده را از امنیت و آرامش لازم محروم کرده‌اند.

پس اگر تنگناها و خطرهای احتمالی ازدواج موقت را می‌نگریم باید آفات و دشواری‌های ممنوعیت کلی آن را نیز مورد توجه قرار دهیم و پس از ملاحظه جوانب مختلف، به این داوری دست یابیم که به هر حال بلی یا خیر!

اگر حکم ازدواج موقت، مشکلاتی را برای جامعه و خانواده در پی دارد، کدام حکم و قانون است که یکسره مفید باشد و هیچ تنگنایی را به همراه نداشته باشد، مگر نه این که برخی جوامع و جریان‌های فکری اصل پابندی به ازدواج را، امر زیان‌بار برای مردان به ویژه زنان دانسته‌اند و آن را تشویق کرده‌اند تا خود را در چارچوب تعهد ازدواج و خانواده اسیر نکنند.

قطعاً تعهد ازدواج، همانند هر تعهد دیگری، مسئولیت‌آور است و پیامدهای مختلف حقوقی، مالی و اجتماعی را به دنبال دارد و انسان رها را، به نوعی تکلیف و قید وامی‌دارد و قطعاً در برخی موارد این قیدها و تکالیف مشقت‌بار نیز می‌شود و یا زیان‌هایی را متوجه فرد می‌کند ولی آیا به خاطر این تکالیف و تعهدات و دشواری‌ها، باید اصل ازدواج را نفی کرد و آیا آنان که اصل ازدواج را نفی کرده‌اند به یک زندگی استثنایی سراسر خیر و بی‌زحمت و بی‌تعهد و پر لذت دست یافته‌اند!

در پایان این نگاه، بی‌آن که ادعای دستیابی به یک پژوهش کامل را داشته باشیم، باز هم بر این نکته انگشت می‌فشاریم که معمولاً منتقدان، در مطالعات خود یک‌جانبه نگریسته‌اند و حتی مدافعان نیز در پاسخ منتقدان، جامع‌نگر نبوده‌اند و سعی نکرده‌اند که در تجزیه و تحلیل احکام خانواده و روابط زن و مرد و پدر و مادر و فرزندان و آن چه به این امور مربوط می‌شود، آیات قرآن را در گستره ارتباط با مسایل مختلف اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و ساختار نظام ایده‌آل قرآنی مطالعه کنند و این نگاه را در معرض دید منتقدان قرار دهند.

در حالی که حقیقت‌طلبی و گره‌گشایی از مشکلات و دشواریهای نظری و عملی می‌طلبد که به مسائل و موضوعات مهمی چون خانواده، جامع‌نگری و ژرف‌کاوی در بررسی و پژوهش موضوع، بیشتر مورد توجه قرار گیرد.